

پرورش مهارت‌های شناختی در کودکان: تحلیل نقش محیط خانواده و سبک‌های تعاملی

نازنین آجیلیان¹

چکیده

پژوهش حاضر نقش محیط خانواده و سبک‌های تعاملی در پرورش مهارت‌های شناختی و خلاقیت کودکان را مورد بررسی قرار می‌دهد. با تمرکز بر تأثیر سبک‌های فرزندپروری (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه)، نشان داده می‌شود که سبک مقتدرانه با ترکیب حمایت عاطفی و قوانین منطقی، بیشترین تأثیر مثبت را بر رشد خلاقیت کودکان دارد. همچنین، راهبردهای عملی مانند استفاده از بازی‌های فکری، تشویق پرسشگری و طراحی چالش‌های روزمره به عنوان ابزارهای مؤثر برای تقویت مهارت‌های شناختی معرفی شده‌اند. علاوه بر این، نقش ارتباط عاطفی ایمن بین والدین و کودک در افزایش اعتماد به نفس و ریسک‌پذیری مورد تأکید قرار گرفته است. در نهایت، چالش‌های دنیای امروز از جمله فشار برای دستیابی به نتایج سریع و استفاده بی‌رویه از فناوری، و نیز تفاوت‌های فرهنگی در پرورش مهارت کودک بررسی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: ارتباط عاطفی، تفاوت‌های فرهنگی، سبک‌های فرزندپروری، مهارت‌های شناختی.

..طلحه پایه دوم، مدرسه علمیه امام خمینی رحمة الله علیه، کرمانشاه 1

مقدمه

در دنیای امروز که تغییرات سریع و پیچیدگی‌های فزاینده، نیاز به تفکر خلاق و توانایی حل مسئله را بیش از پیش ضروری ساخته است، پرورش مهارت‌های شناختی در کودکان به یکی از دغدغه‌های اصلی خانواده‌ها و نظام‌های آموزشی تبدیل شده است. محیط خانواده به عنوان نخستین بستر یادگیری و رشد کودک، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری این مهارت‌ها دارد. سبک‌های تعاملی والدین، میزان حمایت عاطفی و فضایی که برای تجربه‌کردن و کشف در اختیار کودک قرار می‌گیرد، همگی عواملی هستند که می‌توانند خلاقیت و توانایی حل مسئله را در کودکان تقویت یا تضعیف کنند.

این مقاله با هدف تحلیل نقش محیط خانواده و سبک‌های فرزندپروری در پرورش مهارت کودکان، به بررسی سه سبک اصلی فرزندپروری (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه) و تأثیر هر یک بر رشد شناختی کودک می‌پردازد. همچنین، راهبردهای عملی برای والدین ارائه می‌شود که با به‌کارگیری آن‌ها می‌توانند بستر مناسبی برای تقویت مهارت در فرزندان خود فراهم کنند. در پایان، چالش‌های پیش‌روی والدین در دنیای مدرن و تفاوت‌های فرهنگی در شیوه‌های پرورش مهارت مورد بحث قرار گرفته‌اند. امید است این پژوهش بتواند راهنمایی مفید برای والدین و مربیان در جهت پرورش نسلی خلاق و توانمند باشد.

۱. تأثیر سبک فرزندپروری والدین بر رشد مهارت

۱.۱ تحلیل سبک‌های فرزند پروری

نحوه تربیت فرزندان که بر پایه میزان محبت و نظارت والدین شکل می‌گیرد، می‌تواند تأثیرات گوناگونی بر رشد خلاقیت کودکان داشته باشد:

سبک مقتدرانه (Authoritative)

در سبک فرزندپروری، آن دسته از والدینی که به‌طور هم‌زمان توجه عاطفی فراوانی به فرزند خود نشان می‌دهند، استقلال او را به رسمیت می‌شناسند و در عین حال چارچوب‌ها و قوانین منطقی و روشنی برایش تعیین می‌کنند، معمولاً زمینه مساعدتری برای رشد خلاقیت در فرزندانشان فراهم می‌سازند. نتایج پژوهشی که در شهر تبریز انجام شده، نشان می‌دهد که هر اندازه رفتار والدین به سمت الگوی مقتدرانه گرایش بیشتری داشته باشد، میزان خلاقیت ذهنی و عینی کودکان نیز به شکل معناداری افزایش می‌یابد (واحدی و همکاران، ۱۳۸۸). از سوی دیگر، در گزارش تحلیلی ارائه‌شده توسط کلینیک روانشناسی آوان نیز تأکید شده است که سبک مقتدرانه در فرزندپروری، که در آن والدین با گرمی و صمیمیت با کودک برخورد می‌کنند، از حمایت عاطفی بالایی برخوردارند و هم‌زمان خواسته‌ها و حدود مشخصی را نیز برای فرزندشان تعریف می‌نمایند، به‌صورت مؤثری بستر مناسبی برای شکل‌گیری مهارت‌هایی مانند جست‌وجوگری، آزمون راه‌حل‌های نوآورانه و درگیر شدن با مسئله به شیوه‌ای خلاقانه در کودک فراهم می‌آورد (محمدامین مختاریان، ۱۴۰۲).

سبک سهل‌گیرانه (Permissive)

در شیوه‌ای از فرزندپروری که والدین تمایل دارند حداقل میزان محدودیت و کنترل را بر رفتارهای کودک اعمال کنند و آزادی عمل زیادی برای تصمیم‌گیری، انتخاب و تجربه به او بدهند، گرچه ممکن است این فضای آزاد موجب تقویت خلاقیت کودک در برخی جنبه‌ها و بستر مناسبی برای بروز ایده‌های نو فراهم آورد، اما نبود ساختار مشخص، عدم نظارت هدفمند و فقدان حمایت هدایت‌گرانه از سوی والدین، در بلندمدت می‌تواند باعث شکل‌گیری نوعی آشفتگی ذهنی و ناتوانی کودک در سامان‌دهی افکار و طرح‌ریزی منطقی شود. به گزارش منتشرشده در پایگاه تخصصی Simnad.com، در سال ۱۴۰۱، این سبک بدون مرز و قاعده مشخص، اگرچه در نگاه نخست به کودک حس استقلال می‌دهد، اما نبود چهارچوب روشن، روند پرورش خلاقیت را دچار چالش‌هایی جدی می‌سازد و مانعی برای رشد منسجم فکری به شمار می‌رود. (Simnad.com، ۱۴۰۱)

سبک مستبدانه (Authoritarian)

در سبک فرزندپروری مستبدانه، والدین با اعمال قوانین سخت‌گیرانه، کنترل شدید رفتاری و نظارت روانی مداوم، فضای آزادانه‌ای را که برای رشد و بروز خلاقیت کودک لازم است، به شدت محدود می‌کنند. در این شیوه، کودک اغلب فرصت کمی برای ابراز نظرات شخصی، تجربه کردن راه‌حل‌های متفاوت و آزمودن ایده‌های خلاقانه دارد، چرا که همواره زیر سایه ترس از تنبیه و عدم پذیرش از سوی والدین قرار دارد. یافته‌های حاصل از تحلیل مدل‌های معادلات ساختاری در این زمینه نیز به‌روشنی نشان می‌دهد که سبک مستبدانه نه تنها ارتباط معکوس با میزان خلاقیت در کودکان دارد، بلکه شدت برخوردهای تنبیهی و سخت‌گیرانه از سوی والدین، می‌تواند به عنوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده قوی در کاهش توانایی‌های خلاقانه کودکان تلقی شود و مانعی جدی در مسیر رشد فکری و نوآورانه آنان به شمار رود. (Koodak-Khalagh.ir، ۱۴۰۱).

۲.۱ نقش استقلال‌دهی و محدودیت‌گذاری متعادل در تقویت حل مسئله

۱.۲.۱ استقلال‌دهی

فراهم آوردن موقعیت‌هایی که در آن کودکان بتوانند به صورت مستقل تصمیم‌گیری کنند و در مسیر آزمون و خطا پیش بروند، نقش بسیار مؤثری در تقویت حس اعتماد به نفس، ارتقای مهارت‌های شناختی و افزایش توانمندی آن‌ها در حل مسائل گوناگون دارد. این تجربه‌ها به کودکان می‌آموزد که بدون وابستگی مفرط به دیگران، با تکیه بر توانایی‌های خود به راه‌حل‌های مناسب دست یابند. در همین راستا، پلتفرم آموزشی درویان در یکی از توصیه‌های تربیتی خود تأکید می‌کند که ضروری است کودکان پیش از آن‌که به دنبال کمک مستقیم از والدین یا دیگران باشند، ابتدا خودشان برای حل مسائل تلاش کنند، با پیامدهای عملکردشان مواجه شوند و از اشتباهات‌شان درس بگیرند؛ چرا که این فرایند نه تنها به پرورش مهارت‌های خلاقانه و تفکر مستقل منجر می‌شود، بلکه آنان را برای رویارویی مؤثرتر با چالش‌های واقعی زندگی در آینده توانمندتر می‌سازد. (Dorvian.com، ۱۴۰۱)

۲.۲.۱ محدودیت‌گذاری متعادل

وجود مرزهای مشخص، قوانین منطقی و انتظارات روشن، هنگامی که با حمایت عاطفی پایدار از سوی والدین همراه باشد، نه تنها به شکل‌گیری حس امنیت روانی در کودک کمک می‌کند، بلکه فضایی مطمئن برای تجربه‌کردن، آزمودن راه‌حل‌های جدید و بروز خلاقیت فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی، کودک با آگاهی از حدود رفتاری و درک پذیرش عاطفی از سوی والدین، بدون ترس از سرزنش یا طرد، راحت‌تر به تجربه‌گری و حل مسائل روی می‌آورد. مرکز روان‌درمانی احیا در همین رابطه بیان می‌کند که والدینی که از سبک مقتدرانه پیروی می‌کنند و در تعامل با فرزندان‌شان انتظارات معقولی برای رسیدن به بلوغ فکری دارند، در عین حال که ارتباط عاطفی گرم و پایداری با کودک برقرار می‌سازند، در واقع بستر مناسبی را برای ارتقای توانایی حل مسئله در آن‌ها مهیا می‌کنند؛ چرا که این والدین با ایجاد تعادل میان اقتدار منطقی و صمیمت عاطفی، کودک را به سمت تفکر مستقل، تصمیم‌گیری سنجیده و مواجهه خلاقانه با چالش‌ها سوق می‌دهند. (Ehyacenter.com، ۱۴۰۲)

می‌تواند تأثیرات مثبتی بر تعاملات مادر و کودک داشته باشد. این نوع آموزش نه تنها باعث بهبود کیفیت تعاملات آن‌ها می‌شود، بلکه خودکارآمدی هر دو را نیز تقویت می‌کند و احساس اعتماد به نفس و توانمندی در حل مسائل را در آنها ایجاد می‌کند (حضرتی و همکاران، ۱۴۰۲).

۶. چالش‌های پیش روی والدین در دنیای امروز

۱.۶ موانع فرهنگی و اجتماعی تأکید بر نتایج سریع به جای فرآیند

در جوامع امروزی، با توجه به تأکید زیادی که بر دستیابی به نتایج سریع وجود دارد، این فشار می‌تواند مانعی جدی برای پرورش خلاقیت در کودکان باشد. مادران در چنین شرایطی با چالشی مواجه هستند که چگونه میان انتظارات جامعه برای رسیدن به نتایج سریع و نیاز به تمرکز بر فرآیند یادگیری و رشد کودک، تعادل برقرار کنند. تأکید بیش از حد بر نتایج نهایی می‌تواند به کاهش انگیزه‌های درونی کودک منجر شود و در نهایت خلاقیت او را محدود کند. بنابراین، بسیار حائز اهمیت است که محیط‌هایی برای کودک فراهم شود که در آن فرآیند یادگیری و تجربه‌اندوزی به عنوان امری ارزشمندتر از دستیابی فوری به نتایج مورد توجه قرار گیرد. چنین محیط‌هایی به کودک این فرصت را می‌دهند تا از اشتباهات خود بیاموزد و فرایند خلاقیت خود را بدون نگرانی از قضاوت‌های فوری یا فشارهای بیرونی ادامه دهد (قاضی عسگر و همکاران، ۱۴۰۲).

۲.۶ تعادل بین استفاده از فناوری و فعالیت های خلاقانه غیر دیجیتال

با پیشرفت فناوری و افزایش استفاده از دستگاه‌های دیجیتال، کودکان زمان زیادی را صرف این ابزارها می‌کنند. اگرچه فناوری می‌تواند به عنوان ابزاری مفید برای یادگیری و دسترسی به اطلاعات عمل کند، استفاده بیش از حد و بی‌رویه از آن ممکن است به طور منفی بر توسعه خلاقیت و مهارت‌های حل مسئله در کودکان تأثیر بگذارد. در این میان، مادران نقش حیاتی در ایجاد تعادل بین استفاده از فناوری و انجام فعالیت‌های خلاقانه غیر دیجیتال دارند. تشویق کودکان به شرکت در فعالیت‌هایی نظیر بازی‌های فکری، هنرهای دستی، و پروژه‌های گروهی نه تنها به آنها کمک می‌کند تا مهارت‌های شناختی خود را تقویت کنند، بلکه فضایی برای بروز خلاقیت و نوآوری فراهم می‌آورد.

این فعالیت‌ها می‌توانند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم توانایی‌های حل مسئله و تفکر انتقادی را در کودکان پرورش دهند، که این امر در دنیای امروزی از اهمیت زیادی برخوردار است (بیتوته، بی‌تا).

۷. تفاوت‌های فرهنگی در ایفای نقش والدین

۱.۷ مقایسه رویکردها در فرهنگ‌های جمع‌گرا و فردگرا

در فرهنگ‌های جمع‌گرا، مانند بسیاری از جوامع آسیایی، تأکید بر هماهنگی اجتماعی، اطاعت از والدین و حفظ سنت‌ها و ارزش‌های گروهی است. در چنین جوامعی، مادران نقش بسیار مهمی در انتقال این ارزش‌ها و اصول به فرزندان ایفا می‌کنند. مطالعات مختلف نشان داده‌اند که در این فرهنگ‌ها، خلاقیت نه تنها به‌عنوان ابزاری برای رشد فردی بلکه به‌عنوان ابزاری برای بهبود جامعه و خانواده تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، در این فرهنگ‌ها، خلاقیت به‌طور عمده با اهداف اجتماعی و گروهی مرتبط است تا اهداف فردی. در مقابل، در فرهنگ‌های فردگرا، مانند بسیاری از جوامع غربی، تأکید بیشتری بر استقلال فردی، خودبینی و نوآوری وجود دارد. در این جوامع، مادران معمولاً تشویق می‌شوند تا فرزندان خود را به سمت تفکر مستقل و ابراز خلاقیت شخصی هدایت کنند. این تفاوت‌های فرهنگی در نگرش به خلاقیت، نقش مادران در پرورش خلاقیت فرزندان را به‌طور قابل‌توجهی تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا نوع ارزش‌ها و اولویت‌هایی که در این جوامع مورد تأکید قرار می‌گیرد، بر شیوه‌های فرزندپروری و آموزش خلاقیت تأثیر عمیقی دارد (البرزی، ۱۳۹۳، ص ۱-۲۵).

۲.۷ نمونه‌هایی از روش‌های سنتی و مدرن در پرورش خلاقیت

در روش‌های سنتی، مادران از طریق داستان‌گویی، بازی‌های سنتی و آموزش مهارت‌های دستی خلاقیت را در فرزندان خود پرورش می‌دادند. این روش‌ها نه تنها باعث تقویت مهارت‌های خلاقانه در کودکان می‌شدند، بلکه فرصتی برای ایجاد ارتباط عاطفی قوی‌تر و نزدیک‌تر میان مادر و کودک فراهم می‌آوردند. در چنین رویکردهایی، توجه به ابعاد عاطفی و اجتماعی یادگیری از اهمیت زیادی برخوردار بود. در مقابل، در

روش‌های مدرن، مادران از ابزارهای فناوری، کلاس‌های هنری و برنامه‌های آموزشی ساختار یافته برای تقویت خلاقیت فرزندان استفاده می‌کنند. این روش‌ها مزایای خاص خود را دارند، به‌ویژه از آن جهت که به کودکان این امکان را می‌دهند که به منابع متنوعی دسترسی داشته باشند و فرصت‌های یادگیری گسترده‌تری برای توسعه خلاقیت خود پیدا کنند. با این حال، این رویکردهای مدرن ممکن است به نوعی باعث کاهش ارتباط مستقیم و عاطفی بین مادر و کودک شوند، چرا که در این روش‌ها بیشتر تأکید بر یادگیری‌های ساختار یافته و فناوری‌های جدید است که ممکن است موجب دوری عاطفی از تعامل‌های سنتی و انسانی‌تر شود (قاضی عسگر و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۷-۴۸).

نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مادران با به‌کارگیری سبک فرزندپروری مقتدرانه، ایجاد محیطی غنی و محرک، و برقراری ارتباط عاطفی ایمن، می‌توانند نقش مؤثری در پرورش تفکر خلاق و مهارت‌های حل مسئله در فرزندان ایفا کنند. تشویق پرسشگری، طراحی چالش‌های روزمره، و الگوسازی رفتاری از جمله راهکارهای عملی هستند که به کودکان کمک می‌کنند تا به‌صورت مستقل و خلاقانه با مسائل مواجه شوند. همچنین، کاهش ترس از شکست و تبدیل اشتباهات به فرصت‌های یادگیری از دیگر عوامل کلیدی در این فرایند است.

با توجه به چالش‌های دنیای امروز، مانند تأکید بر نتایج سریع و استفاده بی‌رویه از فناوری، مادران نیازمند آگاهی و مهارت‌های بیشتری برای ایجاد تعادل میان این عوامل

هستند. در نهایت، این پژوهش بر اهمیت توجه به تفاوت‌های فرهنگی در شیوه‌های پرورش خلاقیت تأکید می‌کند و پیشنهاد می‌دهد که برنامه‌های آموزشی برای مادران با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها طراحی شوند.

منابع

پورسجادی، زهرا؛ شهاب، محمدرضا (۱۳۹۲). «تأثیرات روانی احجام مختلف فضاهای سبز شهری بر توسعه خلاقیت و رشد کودکان». اولین همایش ملی برنامه‌ریزی، حفاظت، حمایت از محیط زیست و توسعه پایدار، همدان، ص ۱۰.

رحمتی، رباب؛ کریمی، امیر (۱۴۰۱). «مطالعه‌ی اسنادی تأثیر بازیهای آموزشی بر خلاقیت کودکان دبستانی». ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۱۲(۲)، صص ۲۹-۵۰.

قاضی عسگر، سیده نجمه؛ ملکپور، مختار؛ عابدی، احمد؛ فرامرزی، سالار (۱۴۰۲). «تجربه زیسته پرورش خلاقیت مادران با کودک خلاق: رویکردی پدیدارشناسانه». فصلنامه روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان.

واحدی، شهرام؛ لطفینیا، حسین؛ یوسفی شهیر، نعیمه (۱۳۸۸). «رابطه شیوه‌های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده با خلاقیت کودکان در مراکز پیشدبستانی شهر تبریز». زن و مطالعات خانواده، ۱(۳)، صص ۱۰۷-۱۲۱. <https://sid.ir/paper/206336/fa>.
سجادپور، زهرا؛ شهاب، محمدرضا (۱۳۹۲). «تأثیرات روانی احجام مختلف فضاهای سبز شهری بر توسعه خلاقیت و رشد کودکان». اولین همایش ملی برنامه‌ریزی، حفاظت، حمایت از محیط زیست و توسعه پایدار، همدان، ص ۱۰.

بیتوته (بی تا). «توسعه مهارت‌های تفکر و حل مسئله در کودکان: راهنمایی برای والدین و معلمان». Available from

خبرگزاری پانا (۱۴۰۰). «پرسشگری، زمینه‌ساز رشد و تفکر خلاق در کودکان». ۲۱ آذر ۱۴۰۰. Available from

پینارشاپ (۱۴۰۱). «۱۰ روش آموزش مهارت حل مسئله در کودکان». Available from
مای اسمارت ژن (۱۴۰۰). «پرورش خلاقیت کودکان با ۱۰ روش + بایدها و نبایدها!». Available from

موسسه پرورش ذهن فرزام (۱۳۹۹). «نقش خانواده در پرورش خلاقیت». Available from

مجموعه مدارس سلام (۱۴۰۲). «ترس از شکست در کودکان را چگونه شکست بدهیم». Available from

متمم (۱۴۰۰). «نقش محیط غنی شده در افزایش هوش کودک در سالهای نخست زندگی». Available from